

بررسی نقش خانواده در پیشگیری و کاهش وقوع جرم در جامعه،

با رویکردی بر آموزه‌های قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام

افشین سلیمی وردنجانی^۱

چکیده

پژوهش حاضر مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از ابزار مطالعه کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این پرسش است که: آیا نهاد خانواده می‌تواند در پیشگیری و کاهش وقوع جرایم در جامعه مؤثر باشد؟ یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مهم‌ترین عامل وقوع جرم در جامعه، فرآیند جامعه‌پذیری ناقص یا اشتباه افراد است؛ بنابراین کارآمدترین روش پیشگیری از وقوع جرایم، پیشگیری کنشی (غیر کیفری) است و از میان دو رویکرد اصلی این نوع از پیشگیری، اولویت با پیشگیری اجتماعی است که با مداخله در فرآیند جامعه‌پذیری افراد سعی در هماهنگ‌سازی اعضای جامعه با هنجارهای اجتماعی دارد. نهاد خانواده به‌عنوان اولین بازیگر در فرآیند جامعه‌پذیری افراد با انجام صحیح کارکردهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محبتی خود، مهم‌ترین تأثیر را در پیشگیری و کاهش وقوع جرم در جامعه بر عهده دارد. **کلیدواژه‌ها:** خانواده، پیشگیری از جرم، کاهش جرم، جامعه‌پذیری.

نقشه

بررسی نقش خانواده در پیشگیری و کاهش وقوع جرم در جامعه

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰.

۱. مربی پژوهشکده امام خمینی علیه‌السلام و انقلاب اسلامی، تهران، ایران (salimi۸۲۱۹@gmail.com)

۱. مقدمه

سرچشمه بزهکاری در جوامع را می‌توان در عوامل متعددی جستجو کرد؛ اما از میان این عوامل، مهم‌ترین عامل، فرآیند جامعه‌پذیری اشتباه یا ناقص افراد در یک جامعه است. بر همین اساس از دیرباز تدابیر پیشگیری از وقوع جرایم در جامعه به عنوان اولین اولویت در سیاست‌گذاری فرهنگی موردتوجه قرار گرفته است و چون در این میان بنا به اذعان کارشناسان، نهاد خانواده، مهم‌ترین اثر را در فرآیند جامعه‌پذیری افراد یک جامعه دارد، توجه به این نهاد بیش از پیش موردتوجه سیاست‌گذاران، دولت‌ها و کارشناسان اجتماعی قرار گرفته است. البته توجه به این نکته ضروری است که هرکدام از اندیشمندان و مکاتب فکری بر اساس اصول و شالوده ذهنی و مکتبی خود به تعریف خانواده و کارکردهای آن پرداخته‌اند (ر.ک: شفیع‌زاده و محقق داماد، ۱۴۰۱، ۷۰-۷۳؛ رضایی، ۱۳۹۴: ۱۰-۱۳) و بر همین اساس، نقش خانواده در هر جامعه و مکتب فکری در راستای مقابله یا کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرایم، قوت و ضعف پیدا کرده است؛ اما علیرغم تعاریف متعدد از خانواده بدون استثنا در وهله نخست، وظیفه خانواده است که فرزندان خود را برای یک زندگی مستقل و سالم در آینده و در جامعه آماده کند؛ آن‌چنان‌که فرزندان علاوه بر این‌که بتوانند در مواجهه با هر برخوردی از سوی اعضای جامعه و هر مشکلی که بر سر راه او قرار می‌گیرد، با توانمندی برخورد کنند و راه موفقیت و پیشرفت خود را پی بگیرند و به راه‌های منحرفانه و مجرمانه روی نیاورند.

۱-۱. سؤال و روش پژوهش

در پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش که: «آیا نهاد خانواده می‌تواند در پیشگیری و کاهش وقوع جرایم در جامعه مؤثر باشد؟»، سعی شده است با استفاده از روش تحلیل محتوایی کیفی و ابزار مطالعه کتابخانه‌ای، فرضیه اصلی پژوهش که معتقد است خانواده به عنوان نخستین و مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری افراد محسوب می‌شود و چنانچه کارکردهای خود را به درستی ایفا کند می‌تواند نقش مهمی در کاهش وقوع جرم در جامعه داشته باشد، مورد بررسی و تأیید قرار گیرد؛ بر همین اساس پس از تعریف دقیق مفاهیم پیشگیری، جرم (بزه) و خانواده به بررسی کارکردهای خانواده و تأثیر آن کارکردها در کاهش وقوع جرایم در جامعه پرداخته شده است.

۲-۱. پیشینه پژوهش

حسب جستجو در میان منابع، تاکنون پژوهشی با عنوان پژوهش حاضر انجام نشده است؛ اما آثار نزدیک به عنوان پژوهش حاضر با عناوین ذیل قابل احصاست:

دمیرچی (۱۳۹۷) در کتاب نقش خانواده در آسیب‌پذیری نوجوانان معتقد است که عملکرد خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی، نقش انکارناپذیری در برقراری نحوه تعاملات و واکنش‌های اجتماعی داشته و به تبع عملکرد صحیح این نهاد، ضامن سلامت و بقای اجتماع است. در چنین محیطی کودک به سلامت روان و ثبات شخصیت دست می‌یابد و کمتر دچار آسیب‌پذیری می‌شود.

دهقان‌زاده و عرفانی راد (۱۳۹۸) در کتاب نقش خانواده در آسیب‌های فرهنگی - اجتماعی به بررسی رابطه میان نقش پیشگیری خانواده و بروز خطر گرایش به جرایم و آسیب‌های اجتماعی همچون: اعتیاد، فرار از خانه، خشونت، سرقت و... پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که نهاد خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی در فرآیند جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی افراد، چنانچه نقش و کارکردهای خود را به درستی انجام دهد می‌تواند در پیشگیری و کاهش جرایم اجتماعی نقش بسزایی ایفا کند.

صیادم‌نش (۱۴۰۱) در مقاله «نقش آموزشی خانواده در پیشگیری از جرایم و آسیب‌های اجتماعی فرزندان» صرفاً به نقش آموزشی خانواده همچون: آموزش مسائل جنسی، آموزش رفتار و گفتار نیکو به فرزندان، آموزش مهارت حل مسئله، آموزش نقد و نقدپذیری و... پرداخته و به این نتیجه رسیده است که چنانچه خانواده این کارکرد خود را به درستی انجام دهد، می‌تواند مانع از بروز ناهنجاری در اعضای خانواده و بروز رفتارهای مجرمانه در جامعه شود.

پارسا، ساقندی و خدابخش‌زاده (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی نقش خانواده در تربیت فرزند» معتقدند که خانواده، مهم‌ترین نقش را در تربیت فرزند در همه ابعاد دارد. همچنین اثرات درست تربیت کودکی تا پایان عمر در انسان باقی می‌ماند و از طرفی هر نقشی که خانواده در تربیت و شکل‌دهی اخلاقیات فرزندان خود پیاده می‌کنند، مستقیماً در جامعه تأثیر می‌گذارد، به همین دلیل خانواده را یک نمونه کوچک شده از جامعه به حساب می‌آورند که چنانچه وظیفه خود را به درستی انجام دهد، رفتار ناهنجار و جرایم در جامعه کاهش پیدا می‌کند.

هریک از پژوهش‌های یادشده و مشابه آن از زوایای خاصی به بررسی نقش خانواده در

پیشگیری و کاهش وقوع جرم در جامعه پرداخته‌اند. تفاوت پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های مشابه و نزدیک به این عنوان آن است که این پژوهش سعی دارد با تعمق در منابع اسلامی به بیان کارکردهای خانواده و نقش آن کارکردها در کاهش یا پیشگیری از وقوع جرم بپردازد.

۳-۱. ادبیات پژوهش

فهم دقیق موضوع پژوهش حاضر مستلزم ارائه تعریف دقیق و جامع مفاهیم پیشگیری، جرم و خانواده است.

۱-۳-۱. تعریف پیشگیری

یکی از معروف‌ترین گونه‌های تقسیم‌بندی پیشگیری، تقسیم آن به دو نوع «پیشگیری واکنشی یا کیفری» و «پیشگیری کنشی یا غیر کیفری» است؛ بنابراین تعریف پیشگیری برحسب این‌که این مفهوم در پیشگیری واکنشی یا کنشی مورد استفاده قرار گیرد، متفاوت است.

۱-۱-۳-۱. پیشگیری واکنشی (کیفری)

در پیشگیری واکنشی (کیفری) دولت به‌عنوان دستگاه حاکم، اولین نهادی است که در مقابل جرم و بزهکار قرار می‌گیرد و از طریق اعمال قانون و سیاست‌های تقنینی در مقابل بزهکاران، به اصلاح آنان می‌پردازد. این پیشگیری پیشینه‌ای بسیار طولانی دارد و بررسی منابع مختلف تاریخی بیانگر آن است که جوامع بشری برای رویارویی با جرم همواره از ابزارهای شدید سرکوبگر و قهرآمیز یا همان مجازات‌های سخت استفاده کرده‌اند؛ بنابراین این نوع از پیشگیری از نظر ذاتی اقدامی پسینی است که پس از وقوع جرم با بهره‌جستن از تدابیر و اقدامات نظام عدالت کیفری، برای کاهش نرخ جرم مداخله می‌کند. رهیافت پیشگیری واکنشی این است که با رعب‌انگیزی و ایجاد هراس فردی، جمعی و عبرت‌آموزی، از بزهکاری‌ نخستین و بزهکاری دوباره افراد جلوگیری کند (غیاثوند، ۱۳۹۶: ۷۵-۷۶).

۲-۱-۳-۱. پیشگیری کنشی (غیر کیفری)

هدف پیشگیری کنشی (غیر کیفری)، جلوگیری از به فعل درآوردن و عدم تحقق اندیشه مجرمانه با تغییر دادن اوضاع و احوال خاصی است که یک سلسله جرائم مشابه در آن واقع می‌شود یا ممکن است در آن اوضاع و احوال به وقوع بپیوندد. به عبارت دیگر، پیشگیری غیر کیفری به دنبال آن است که علل و عوامل محیطی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و...

زمینه‌های بروز بزهکاری را از طریق توجّه به مسئله کنترل اجتماعی و تأثیر بر افکار مجرمانه از بین ببرد. در پیشگیری غیر کیفری دو رویکرد اصلی وجود دارد: رویکردی که به تحدید موقعیت جرم (عوامل محیطی و فیزیکی جهت کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم) توجّه دارد و تحت عنوان پیشگیری وضعی شناخته می‌شود و رویکردی که با توجّه به محیط اجتماعی و شخصیت افراد در پی کاهش جرم است و تحت عنوان پیشگیری اجتماعی شناخته می‌شود (نیازپور، ۱۳۸۵: ۱۲۶).

به عبارت دیگر پیشگیری اجتماعی مبتنی بر علت‌شناسی جرم است و مستلزم قبول این واقعیت است که عوامل متعدد و مختلفی در تکوین و ایجاد جرم نقش دارند. در این پیشگیری توجّه زیادی به علل بنیادی وقوع جرم می‌شود و بر این عقیده استوار است که جرائم در اثر نارسایی‌های اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و... به وقوع می‌پیوندند. هدف پیشگیری اجتماعی هماهنگ‌سازی اعضای جامعه با قواعد و هنجارهای اجتماعی است؛ بنابراین این نوع از پیشگیری می‌کوشد که با مداخله در فرآیند جامعه‌پذیری به طور مستقیم از مجرم شدن افراد جلوگیری کند و مجرمان بالفعل و بالقوه را از جرائم آتی منصرف کند.

در پژوهش حاضر منظور از پیشگیری، پیشگیری کنشی (غیر کیفری) است و از میان دو رویکرد اصلی این پیشگیری تأکید بر رویکرد پیشگیری اجتماعی است.

۲-۳-۱. تعریف جرم (بزه)

جرم یا بزه برحسب این که در حقوق جزا و کیفری مورد بررسی قرار بگیرد یا از منظر جرم‌شناسی، از منظر تعریف، موضوع و محدوده مصادیق دارای تمایزاتی می‌گردد.

۱-۲-۳-۱. تعریف جرم (بزه) از دیدگاه حقوق کیفری

در حقوق جزا به انجام دادن یا ترک کردن فعلی که در قانون برای آن اقدامات تأمینی یا کیفر پیش‌بینی شده باشد، جرم یا بزه اطلاق می‌شود. در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی نیز می‌خوانیم که: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود».

حقوق جزا به مسئله جرم منحصرّاً به اعتبار قانون پرداخته و روش آن از بحث کلامی، تجزیه و ترکیب ادبی متون قوانین کیفری فراتر نمی‌رود و حقوقدان با روش انتزاعی به بررسی

نفس جرم و تجزیه و تحلیل ارکان مندرج در تعریف قانونی آن می‌پردازد. در حقوق جزا علل وقوع جرم، شخصیت، تاریخ و سرنوشت انسانی که مرتکب جرم شده است، اصلاً مطرح نیست (کی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱/ ۱۴-۱۵).

به یک عبارت ساده‌تر باید گفت که این نوع از حقوقدانان معتقدند که برای تشخیص جرم یا بزهکاری در جامعه نمی‌توان به عدالت، اخلاق و مانند آن رجوع کرد؛ بلکه باید صرفاً به قوانین قانون‌گذار مراجعه کرد و در این قوانین دید که آیا انجام یا ترک فعلی مصداق جرم محسوب می‌شود یا خیر.

۲-۲-۳-۱. تعریف جرم (بزه) از دیدگاه جرم‌شناسی

جرم و بزه از منظر جرم‌شناسی، قلمرو گسترده‌تری از حقوق کیفری دارد. در جرم‌شناسی انجام دادن و یا ترک کردن هر فعل زیان‌آور فردی و گروهی، اعمال ضداجتماعی یا هر رفتار و حالتی که مغایر شئون انسانی و مخل نظم اجتماعی باشد هرچند که در قانون، مجازاتی برای آن تعیین نشده باشد، جرم است و مورد بررسی عمیق علمی قرار می‌گیرد (همان: ۱۸/۱). بر همین اساس در تعاریف ارائه‌شده از سوی دانشمندان جرم‌شناس، با قلمرو وسیعی از اعمال و رفتار بزهکارانه و مجرمانه مواجه هستیم. برای نمونه «مونتسکیو» جرم را پدیده‌ای علیه اخلاق، مذهب، امنیت و آرامش عمومی می‌داند. «هامون» معتقد است که جرم عملی است علیه آزادی فردی. «لیتره» برای شناخت جرائم چهار مشخصه برمی‌شمرد: ۱. اقدام علیه قانون؛ ۲. اقدام علیه اخلاق؛ ۳. اقدام علیه وجدان؛ ۴. عملی که برحسب قانون قابل مجازات باشد (کلانتری، ۱۳۷۵: ۱۳۶).

بر اساس آنچه مطرح شد در مباحث جرم‌شناسی، برخلاف حقوق جزا، علاوه بر جرائمی که قانون جزا آن را مصداق بزهکاری می‌داند، به علل و انگیزه‌های وقوع جرم، بررسی شخصیت فرد بزهکار، نقش رسانه‌های گروهی در تکوین شخصیت مجرم و محیطی که در آن رشد کرده پرداخته می‌شود و هنگامی که انگیزه و یا علل بزهکاری را کشف کرد، راهکارهای لازم برای اصلاح جرم و بازگشت شخص بزهکار به جامعه ارائه می‌کند. برای مثال طلاق یا ناهنجاری‌های محیط خانه و خانواده اگرچه یک موضوع کیفری محسوب نمی‌شود و به طبع، مجازات قانونی برای آن در نظر گرفته نشده است، اما از آن جایی که زمینه‌ساز وقوع جرائم در

جامعه می‌گردد، مورد مطالعه جرم‌شناسی قرار می‌گیرد. در پژوهش حاضر این تعریف از جرم مدنظر است.

۳-۳-۱. خانواده

توجه به این نکته لازم است که برخلاف تصور عامه، مفهوم خانواده یکی از مفاهیم خاص و پیچیده و دارای معانی متعددی است و هر یک از اندیشمندان، مبتنی بر جهان‌بینی خاص خود به تعریف این مفهوم پرداخته‌اند؛ بنابراین برای فهم نقش خانه و خانواده در پیشگیری یا کاهش وقوع جرم در جامعه، قبل از هر چیزی لازم است تعریف دقیق و جامعی از مفهوم خانواده ارائه شود و سپس کارکردهای آن تبیین گردد. در قرآن و روایات درباره جایگاه خانواده، فلسفه و ضرورت، آثار، اهداف و انگیزه‌های تشکیل آن مطالب فراوانی وجود دارد؛ همچنین در این منابع راه‌کارهای متعددی در جهت پایداری نظام خانواده به چشم می‌خورد. از مجموع اشارات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام چنین استفاده می‌شود که خانواده در اسلام از ترکیب و اجتماع (مشروع) زن و شوهر و فرزندان آن‌ها تشکیل می‌شود و قدرت اساسی حاکم بر آن، عواطف طبیعی و انسانی است (تحریم: ۶؛ روم: ۲۱).

خانواده، نخستین نهاد اجتماعی است که در زندگی جمعی انسان شکل گرفته و مهم‌ترین نقش را در رشد و توسعه انسان در طول تاریخ حیات بشر از خود نشان داده است. از آغاز تا پایان زندگی انسان‌ها، نسبت به سایر نهادهای اجتماعی از اهمیت و ارزش خاصی برخوردار بوده و خواهد بود. خانواده را می‌توان یکی از عمومی‌ترین سازمان‌های اجتماعی دانست که بر اساس ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می‌گیرد و پیوندها در آن بر اساس مناسبات خونی (بعضاً اسنادی همچون قبول فرزندخواندگی) به چشم می‌خورد. خانواده غالباً دارای نوعی اشتراک مکانی است. این نهاد اجتماعی دارای کارکردهای گوناگونی همچون تربیتی، شخصی، جسمانی، اقتصادی و... را بر عهده دارد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۳۶). در تعریف دیگری که اشاره به اهمیت فوق‌العاده این نهاد اجتماعی دارد می‌خوانیم که کوچک‌ترین واحد اجتماعی و هسته اصلی جامعه، مبنا و پایه هر اجتماع بزرگی خانواده است. این نهاد برای رفع نیازمندی‌های حیاتی و عاطفی انسان‌ها و بقای جامعه ضرورت تامی دارد و از همه نهادهای اجتماعی خودی‌تر و طبیعی‌تر است (کی‌نیا، ۱۳۸۸: ۵۵۱/۲).



در خصوص تعریف خانواده اندیشمندان جرم‌شناس نیز معتقدند که محیط زندگی را بر اساس تأثیر اراده یا فقدان اراده انسان در انتخاب آن می‌توان به محیط‌های حتمی یا اجتناب‌ناپذیر، محیط انتخابی، محیط اتفاقی و محیط تحمیلی تقسیم کرد. این قبیل از اندیشمندان، خانواده را با توجه به این‌که اراده انسان در گزینش آن هیچ تأثیری نداشته است، نخستین محیط اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. هیچ کودکی خانواده خود را انتخاب نکرده است؛ زیرا انتخاب، فرع بر وجود اراده در فرد است و این موضوع در رابطه با کودک، سالبه به انتفاع موضوع است. به عبارت ساده‌تر، خانواده محیطی است که فرد در آن‌جا دیده به جهان می‌گشاید، رشد خود را آغاز کرده و در سنین کودکی علیرغم این‌که توانایی تکلم و راه رفتن ندارد، اما حرکات اطرافیان خود را تقلید می‌کند و ضمیر باطنی وی پذیرای رفتار و کردار اطرافیان می‌شود (دانش، ۱۳۶۶: ۲۳۷).

همچنین برخی از اندیشمندان بر اساس نوع خانواده، تعاریفی از این مفهوم ارائه داده‌اند و سپس برحسب تعریف ارائه شده، قائل به نقش خانواده در کاهش یا افزایش میزان وقوع جرم در جامعه شده‌اند که ازجمله می‌توان به این تقسیم‌بندی‌ها اشاره کرد: خانواده باز (خانواده‌ای که در آن روابط اعضا با یکدیگر بدون هیچ قیدوبند است و همه جنبه‌های مثبت و منفی اعضا به یکدیگر منتقل می‌شود) و خانواده بسته (روابط اعضا با یکدیگر محدود و انتقال فرهنگ اعم از خوب یا بد، بسیار محدود و حتی غیرممکن است) (قائمی، ۱۳۶۶: ۴۱)؛ خانواده تک‌همسر (تنها یک زن و یک شوهر با هم زندگی می‌کنند) و خانواده چندهمسر (یک مرد یا یک زن با دو یا چند همسر زندگی می‌کنند)؛ خانواده پدرسالار (خانواده‌ای که در آن پدر قدرت بیشتری دارد)، خانواده مادرسالار (خانواده‌ای که در آن مادر قدرت بیشتری دارد) و خانواده ناقص یا تک سرپرست (خانواده‌ای که صرفاً با یکی از والدین، مادر یا پدر به حیات خود ادامه می‌دهد)؛ خانواده بهنجار و نابهنجار (الگویی از خانواده است که در آن زمینه برای سعادت‌مندی زن و شوهر فراهم و محیط برای رشد و تربیت صحیح فرزندان آماده یا ناآماده باشد که در صورت اول خانواده بهنجار و در صورت دوم نابهنجار است) (ر.ک: فرهنگ و رضوانی، ۱۳۹۸: ۱۳۴-۱۵۴).

۲. نقش خانواده و ارتباط آن با جرایم

بدون شک خانواده مهم‌ترین نهاد تأثیرگذار بر فرآیند جامعه‌پذیری افراد در جامعه محسوب می‌شود؛ چراکه محیط خانواده، محیطی است که کودک در آن متولد می‌شود، رشد و نمو

می‌یابد و نخستین حرکات، اعمال و آداب و رسوم را از آن یاد می‌گیرد. هرچند که برحسب این‌که کدام تعریف یا گونه از خانواده را پذیرا شویم تفاوت‌هایی در نقش و کارکرد خانواده پدید می‌آید و به تبع تأثیرات آن در رفتارهای شخص قابل مشاهده می‌شود، اما فرض اصلی این پژوهش بر آن است که چنانچه خانواده زمینه‌های لازم را برای سعادت‌مندی زن و شوهر ایجاد و محیط را برای رشد و تربیت صحیح فرزندان فراهم کند، مسلماً در پیشگیری یا کاهش وقوع جرم در یک جامعه بسیار تأثیرگذار است.

در منابع اسلامی نیز آیات و روایات متعددی در خصوص اهمیت کانون خانواده و نقش آن در کاهش جرایم وجود دارد آن‌چنان‌که بزرگان دینی با تعمق در این منابع و بهره‌گیری از این معارف همواره به این مهم تذکر داده‌اند؛ برای نمونه مقام معظم رهبری در همین راستا می‌فرماید: «اگر در جامعه‌ای خانواده مستحکم شد و زن و شوهر حقوق یکدیگر را رعایت کردند و با هم اخلاق خوش داشته و سازگاری نمودند و با همکاری هم مشکلات را برطرف نموده و فرزندان را تربیت کردند، جامعه‌ای که این طور خانواده‌ها را داشته باشد، به صلاح خواهد رسید و نجات پیدا خواهد کرد و اگر مصلحتی در جامعه باشد می‌تواند این طور جوامع را اصلاح نماید. اگر خانواده‌ای نبود، بزرگ‌ترین مصلحتین هم بیایند نمی‌توانند جامعه را اصلاح کنند» (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه عقد، ۱۴/۰۶/۱۳۷۲).

همچنین در جای دیگری می‌فرماید: «تشکیل بنای خانواده، یک نیاز اجتماعی است، اگر چنانچه در یک جامعه‌ای، خانواده‌ها درست بودند، سالم بودند، استحکام داشتند، تزلزل نداشتند، حدود و ثغور خانواده محفوظ بود، این جامعه می‌تواند به خوبی اصلاح بشود؛ افرادش می‌توانند رشد فکری پیدا کنند و از لحاظ روحی کاملاً سالم باشند؛ می‌توانند انسان‌هایی بدون عقده باشند» (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه عقد، ۱۱/۰۵/۱۳۷۴).

اکنون با این مقدمه، به واکاوی مهم‌ترین نقش‌های خانواده پرداخته می‌شود:

۱-۲. نقش محبتی و تربیتی

در دستورهای اسلامی یکی از بزرگ‌ترین حقوق فرزندان بر والدین، تربیت صحیح آن‌ها برای زندگی در جامعه ذکر شده است و این مهم، جز در پرتو کانون گرم و محبت‌آمیز خانواده میسر نخواهد شد. تربیت عبارت است از عملی که از طریق نسل بالغ درباره آن‌هایی که رشد

کافی نیافته‌اند به‌منظور پرورش جسمی، فکری و اخلاقی‌شان انجام می‌گیرد تا آن‌ها را برای عضویت در زندگی انسانی آماده کنند و برای جامعه، عضو مفیدی پرورش دهند. توجه به این نکته لازم است که با توجه به این که تربیت، مقوله‌ای کلی است، بنابراین هرکدام از روایات بر دستورالعمل خاصی برای حصول به این مقصود تأکید دارند. با توجه به گستردگی روایات وارده صرفاً برای نمونه می‌توان عنوان کرد که در برخی از این روایات بر احترام و مهرورزی به کودکان و پرهیز از محبت افراطی تأکید دارند آن‌چنان که پیامبر اکرم می‌فرمایند: «أَجِبُوا الصَّبِيَّانَ وَ از حَمُوهُمْ؛ کودکان را دوست بدارید و با آن‌ها مهربانی کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۲/۱۰۱). همچنین در خصوص نهی از افراط در محبت در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که می‌فرمایند: «شَرَّ الْأَبَاءِ مَنْ دَعَا الْبُرَّ إِلَى الْإِفْرَاطِ؛ پست‌ترین پدران کسانی هستند که مهرورزی و دوستداری آنان نسبت به فرزندانشان، آن‌ها را به افراط بکشاند» (فرید، ۱۳۶۸: ۳/۳۴۳). در روایت دیگری بر نهی از رفتارهای تبعیضی محبت‌آمیز در میان کودکان از سوی والدین تأکید شده است؛ آن‌چنان که سکونی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که: «نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَى رَجُلٍ لَهُ ابْنَانِ فَقَبَّلَ أَحَدَهُمَا وَ تَرَكَ الْآخَرَ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله فَهَلَا وَاسَيْتَ بَيْنَهُمَا؛ رسول خدا به مردی نگریست که دو پسر داشت، یکی را بوسید و دیگری را رها کرد. پیامبر فرمود: چرا میان این دو برابری نکردی» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳/۴۸۳؛ طبرسی، ۱۳۶۵: ۳۲۱).

اگر خانواده در تأمین نیازهای کودکی که نخستین فرآیند جامعه‌پذیری را از خانواده شروع کرده ناتوان باشد، در حقیقت زمینه‌های بروز رفتارهای ناهنجار آینده‌وی در جامعه را فراهم کرده است. متخصصان امر نیز با اعتقاد به همین امر بیان می‌دارند که مهم‌ترین و اولین کنش خانواده، تأمین ارزش محبت در میان اعضای خود و سپس ترویج و اشاعه این ارزش از راه ایجاد روابط محبت‌آمیز و دوستی‌های عمیق در میان افراد جامعه و اجتماع است (کی‌نیا، ۱۳۸۸: ۲/۶۰۰-۶۰۲). از سوی دیگر توجه به این نکته، لازم است که برخلاف تصور برخی از افراد، محبت که یکی از نیازهای اساسی عاطفی محسوب می‌شود، محدود به دوران طفولیت نیست؛ بلکه این نیاز تا دوران بزرگسالی همچنان به قوت خود باقی است و حتی در دوران بلوغ نمود بیشتری پیدا می‌کند؛ بنابراین محرومیت عاطفی در خانواده، موجب بروز اختلال منش و انواع انحرافات خواهد شد. در عمل مشاهده شده خانواده‌هایی که یک فضای خشک غیر صمیمی و خالی از عواطف انسانی را بر زندگی خود حاکم کرده‌اند و محبتی در بین اعضای آن

وجود ندارد یا کمتر از حد لازم است، عملکرد آنان عوارض آسیب‌زایی را به همراه خواهد داشت (کاوه، ۱۳۸۶: ۱۱۲). بر اساس آنچه بیان شد کسانی که از محبت کافی در محیط خانواده برخوردار نیستند، افرادی بی تفاوت، کینه‌توز، منزوی و بی‌رحم می‌شوند و به سمت رفتارهای پرخطر مجرمانه سوق پیدا می‌کنند.

۲-۲. نقش فرهنگی و اجتماعی

یکی دیگر از مهم‌ترین کارکردهای خانواده که نقش مهمی در فرآیند جامعه‌پذیری افراد دارد، کارکردهای فرهنگی و اجتماعی است. چنانچه خانواده بتواند این کارکرد خود را به‌درستی انجام دهد، نتیجه آن در جامعه، کاهش وقوع جرم خواهد بود و در غیر این صورت، شاهد رفتارهای بزهکارانه افراد در اجتماع خواهیم بود.

اهمیت این کارکرد در حدی است که جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان خانواده نیز به اتفاق بر آن تأکید کرده‌اند و معتقدند که یکی از مهم‌ترین علل وقوع جرم در جامعه، عدم توجه نهاد خانواده به کارکردهای فرهنگی و اجتماعی خود است که در این میان، تأثیر این بی‌توجهی در نهایت به ازهم‌پاشیدگی نظام خانواده خواهد انجامید. ازهم‌پاشیدگی نظام خانواده خواه بر اثر طلاق صورت پذیرد، خواه بر اثر فوت یکی از والدین، چالش‌هایی را به دنبال دارد و چنانچه این چالش‌ها به‌درستی مدیریت نشود، در فرآیند تربیت کودکان، خلل ایجاد می‌کند و زمینه لازم را برای بروز ناهنجاری‌ها در جامعه فراهم می‌آورد. از طرفی توجه به این نکته لازم است که در فرآیند طلاق و به تبع آن ازهم‌پاشیدگی بنیان خانواده ممکن است شاهد بروز رفتارهای ناهنجار از خود زوجین متارکه‌یافته نیز باشیم.

زمانی که روابط زن و شوهر تحت تأثیر عوامل گوناگون به تیرگی گراید و امکان سازش و صلح در میان آن‌ها از بین برود، طلاق تجویز می‌شود. درست است که طلاق آن‌هم مقید به شروط بسیار سنگینی در این موارد تجویز شده است، اما آن را به‌عنوان آخرین دارو شناخته‌اند تا از بروز مفاسد زیان‌بارتر جلوگیری کند. در روایات متعددی نیز بر این مسئله تصریح شده است؛ برای نمونه پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُخْرَبُ فِي الْإِسْلَامِ بِالْفُرْقَةِ يَعْنِي الطَّلَاقَ؛ در نزد خداوند متعال هیچ چیز ناپسندتر از خانواده‌ای نیست که به‌وسیله طلاق ازهم‌پاشیده شود» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۶/۲۰). همچنین در روایت دیگری می‌فرماید: «تَزَوَّجُوا وَلَا تَطْلُقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتَرُ مِنْهُ الْعَرْشُ؛ ازدواج کنید



و طلاق ندهید، که عرش از طلاق به لرزه در می‌آید» (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۸/۲۲). بر اساس روایات اسلامی، حفظ و جلوگیری از فروپاشی خانواده اهمیت خاصی دارد؛ علت این امر آن است که خانواده، کانون محبت اعضا به یکدیگر و عامل مهم رشد و شکوفایی شخصیت افراد است و چنانچه از طریق طلاق، خللی در روابط اعضای خانواده ایجاد شود، بی‌شک باعث ایجاد مشکلات روحی و روانی و درنهایت رفتارهای مجرمانه در جامعه خواهد شد.

اهمیت مسئله طلاق و تأثیر آن در ناهنجاری‌های جامعه در نظر برخی اندیشمندان تا حدی است که معتقدند هیچ‌گاه مطالعه آسیب‌شناسی اجتماعی، انحرافات و بزهکاری اجتماعی بدون شناسایی مسئله طلاق امکان‌پذیر نیست و هر جامعه‌ای که در جستجوی سلامت است باید این پدیده را مهار کند (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۱۸). درک همین اهمیت باعث شده تا اندیشمندان غربی همچون «برناردز» به صراحت اعلام کنند که جامعه با آماده کردن افراد برای زندگی مشترک زناشویی طولانی و باثبات، از نفع بیشتری برخوردار خواهد شد (برناردز، ۱۳۹۰: ۳۲۴).

اساساً مشکلات طلاق و پیامدهای حاصل از آن که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در بزهکاری افراد مؤثر است، از یک سو دامن‌گیر زوجین می‌شود، آن‌چنان‌که آنان با مشکلات عدیده‌ای همچون: مشکلات مالی، مشکلات عاطفی و مشکلات جنسی مواجه می‌شوند و ممکن است برای رفع آنها و تأمین نیازمندی‌های خود دست به رفتارهای مجرمانه بزنند و از سوی دیگر، این مشکلات با شدت بیشتر دامن‌گیر کودکان این خانواده‌ها هم می‌شود. این موضوع، زمانی که طلاق با درگیری‌های بسیار زیاد و در مواردی خشونت‌آمیز توأم شود به شکل دوچندانی نمود پیدا خواهد کرد. آن دسته از طلاق‌هایی که والدین خشم و نفرت خود را با آسیب رساندن به فرزند (همانند محرومیت فرزند از ملاقات با یکی از والدین) به انجام می‌رسانند، آسیب‌های عاطفی، رفتاری و شخصیتی بیشتری را برای فرزند طلاق به بار می‌آورد و به همین دلیل است که میزان بزهکاری کودکان خانواده‌های ازهم‌گسسته‌شده در اثر طلاق از کودکانی که گسست خانواده را بر اساس مرگ یکی از والدین تجربه می‌کنند بیشتر است.

۳-۲. نقش اقتصادی

یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر بزهکاری افراد در یک جامعه، وضعیت اقتصادی

خانواده‌های آن‌هاست. البته این بدان معنا نیست که فقر در یک خانواده باعث بروز جرائم یا به عکس رفاه در خانواده‌ها موجب کاهش جرائم خواهد شد، بلکه منظور آن است که بر اساس یافته‌های محققان چنانچه وضعیت نامطلوب اقتصادی خانواده با عوامل دیگر بروز رفتارهای ناهنجار توأم شود، احتمال وقوع جرم بسیار افزایش می‌یابد.

در روایات و دستورهای اسلامی نیز بر این موضوع تصریح شده، آن‌چنان‌که امیر مؤمنان علیه السلام به فرزند خود محمد بن حنفیه می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ؛ ای فرزندم! من درباره تو از فقر سخت هراسناکم. از آن به خدا پناه ببر که همانا فقر، دین انسان را ناقص می‌کند و عقل را سرگردان می‌سازد و عامل دشمنی است» (نهج البلاغه: حکمت ۳۱۹).

مشکلات مالی در روابط زوجین با یکدیگر و با فرزندان بالأخص نوجوانان، تأثیرات منفی گسترده‌ای می‌گذارد. متأسفانه در خانواده‌هایی که دچار کمبود مالی هستند، حضور سرپرست در جمع خانواده، بسیار کمتر شده و تماس با افراد خانواده خود به حداقل می‌رسد. در این حالت چون افراد خانواده در وضعیت خستگی، یکدیگر را ملاقات می‌کنند، فشار و خستگی، حوصله افراد برای درک و تحمل عقاید یکدیگر را کم می‌کند؛ فقر خانواده سبب می‌شود که این احساس پدید آید که والدین، افراد بی‌کفایتی هستند. از طرف دیگر، خستگی ناشی از کار و احساس افسردگی ناشی از آن باعث می‌شود که رفتارها در خانواده، غیر متعادل، خشن و حتی در مواردی وحشیانه باشد (قائمی، ۱۳۶۶: ۲۰۴-۲۰۵).

همچنین ارتباط معناداری بین بزهکاری با رفاه زیاد وجود دارد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ﴾ (علق: ۶-۷). در زندگی روزمره نیز بارها دیده و یا شنیده‌ایم که افراد کم‌ظرفیت، چگونه با رسیدن به ثروت، ناگهان تغییرات عمیق و فوری در جهات منفی در خلق و خوی آنان پدید می‌آید و آن‌چنان دچار جنون ثروت می‌شوند که به چیزی جز ازدیاد ثروت فکر نمی‌کنند و مرتکب جرائمی همچون جعل، قاچاق و... می‌شوند که مولد ثروت نامشروع در جامعه است و در این میان، توجه به خانواده را به کلی فراموش می‌کنند. از طرف دیگر، خانواده‌های ثروتمند و بی‌ضابطه با در اختیار نهادن وسایل و پول سرشار به فرزندان برای ارضای تمایلات نفسانی خویش و پرداختن به هر لهو و لعبی،

زمینه را برای بروز جرائم از سوی آنان فراهم می‌کنند و روحیه بیکاری، تنبلی و خودبرتربینی را در آن‌ها پدید می‌آورند.

۳. نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که: در جوامع امروزی مهم‌ترین عامل وقوع جرم، فرآیند جامعه‌پذیری ناقص افراد به معنای تربیت‌نیافتگی فرد - که منجر به بروز رفتارهای مغایر با عرف و مذهب یا قوانین و مقررات جامعه می‌شود - معرفی شده است؛ بر همین اساس، کارآمدترین و مؤثرترین روش پیشگیری از وقوع جرائم در جامعه، پیشگیری کنشی (غیر کیفری) است و از میان دو رویکرد اصلی این نوع از پیشگیری، اولویت با پیشگیری اجتماعی است که با مداخله در فرآیند جامعه‌پذیری افراد، سعی در آموزش و هماهنگ‌سازی افراد جامعه با قواعد و هنجارهای اجتماعی دارد. اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی پس از بررسی‌های متعدد به این مطلب اذعان دارند که خانواده، اولین و مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر فرآیند جامعه‌پذیری و تربیت افراد محسوب می‌شود؛ بنابراین این نهاد، نقش دوگانه‌ای در کاهش یا افزایش وقوع جرم می‌تواند داشته باشد؛ چنانچه نهاد خانواده کارکردهای خود را در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، محبتی و تربیتی به‌درستی انجام دهد، باعث پیشگیری و کاهش وقوع جرم و رفتارهای مجرمانه در اجتماع خواهد شد.

کتاب‌نامه

- * قرآن کریم
- ۱. نهج البلاغه
- ۲. ابن بابویه، محمدبن علی، (۱۴۱۳ ق)، کتاب من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۳. برناردز، جان، (۱۳۹۰ ش)، درآمدی بر مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نی.
- ۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری: <https://khamenei.ir>
- ۵. حرعاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۶ ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت.

۶. دانش، تاج زمان، (۱۳۶۶ ش)، مجرم کیست و جرم‌شناسی چیست، تهران: کیهان.
۷. رضایی، محمدجواد، (۱۳۹۴ ش)، رساله دکتری «واکاوی نقش مرد و زن در نهاد خانواده از منظر قرآن و روایات»، مشهد: جامعه المصطفی العالمیه.
۸. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰ ش)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش.
۹. _____، (۱۳۷۶ ش)، طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. شفیع‌زاده، فرزانه و محقق داماد، مریم السادات (۱۴۰۱ ش)، «بازخوانی تعریف خانواده در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی میان‌رشته‌ای، شماره ۲.
۱۱. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۶۵ ش)، مکارم الأخلاق، ترجمه: ابراهیم میرباقری، تهران: فراهانی.
۱۲. فرهمند، مهناز و رضوانی، زهره، (۱۳۹۸ ش)، «نقش ساختار خانواده بر عملکرد آن در خانواده‌های تک‌همسری و چندهمسری»، نشریه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۳.
۱۳. فرید، مرتضی، (۱۳۶۸ ش)، الحدیث (روایات تربیتی از مکتب اسلام)، تهران: فرهنگ اسلامی.
۱۴. قائمی، علی، (۱۳۶۶ ش)، کودک و خانواده ناپسامان، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۱۵. کاوه، سعید، (۱۳۸۶ ش)، بهداشت روانی طلاق، تهران: سخن.
۱۶. کلانتری، کیومرث، (۱۳۷۵ ش)، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، مازندران: دانشگاه مازندران.
۱۷. کی‌نیا، مهدی، (۱۳۸۸ ش)، مبانی جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۹. _____، (۱۴۰۴ ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. نیازپور، امیرحسین، (۱۳۸۵ ش)، «اقدامات دستگاه‌های دولتی ایران در زمینه پیشگیری از بزهکاری»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۲۰.